

زندگی‌نامه و اسنادی از مرحوم آیت‌الله محمد مهدی رئیس نوری

زهرا طلوع شریفی (نورائی نژاد)

یادداشتی که ملاحظه می‌کنید، شرح حالی است از مرحوم آیت‌الله محمد مهدی رئیس نوری، از علمای پس از مشروطه و اوائل دوره رضاخان. این شرح حال به قلم نواده ایشان نوشته شده و در ادامه تعدادی از اسناد مربوط به دوران تحصیل، اجازه اجتهاد و تصاویر ایشان همراه جمعی دیگر، آمده است. برخی از این اسناد برای شناخت فضای فرهنگی آن روزگار مفید خواهد بود.

مرحوم آیت‌الله محمد مهدی رئیس نوری، فرزند مرحوم حاج ملا اسدالله نوری (پسر مصطفی بن جمشید بن باقر) از طایفه رئیس (از نور مازندران) متولد ۱۲۵۲ شمسی، مقدمات را در نور نزد پدر آموخت. پس از آن برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و محضر اساتید گران قدر، آیات عظام، میرزای نائینی، شیخ عبدالنبی نوری، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا محمد کاظم شیرازی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم الحائری و مرحوم بهبهانی - رحمه‌الله علیهم - را درک و از ایشان کسب فیض نمود. وی در تعلیم و تعلم، بسیار کوشا و جدی و همواره مورد تأیید اساتید خود بود.

مرحوم نوری در سن ۲۵ سالگی، به درجه اجتهاد نائل آمده. اجتهاد ایشان به تأیید بزرگوارانی چون آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ عبدالنبی نوری، آقا محمد کاظم شیرازی و مرحوم بهبهانی رسید.

برابر یادداشت‌هایی که از ایشان به جای مانده است، از همان دوران طفولیت، مشغول تعلیم و تعلم شده و از شانزده سالگی، علاوه بر تعلیم، به تدریس نیز می‌پرداخت. وی همچنین از همان دوران به تألیف پرداخته و آثار زیر از ایشان به یادگار مانده است:

تنبیه الغافلین (رساله دکتری)، بحر الفوائد در علم صرف، در المقاصد در علم نحو، کلام الجواد در تجوید، النجوم الباهره در نجوم، مناطق المنطقیه در منطق. شرحی بر شواهد ربوبیه که با همکاری مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری (ره) نوشته است و شرحی بر اصول حکمت احکام الهیه. تعدادی از آثار وی، در سال ۱۳۰۳ چاپ شده است.

مرحوم رئیس نوری در سمت استادی در مدرسه ناصری قدیم و ناصری جدید، یعنی مدرسه عالی سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی)، استاد صرف و نحو بود. چنان که گفته شده، تدریس وی مورد استقبال عامه طلاب و علمای آن روز بود. در مواقعی نیز که مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی به دلیل کسالت یا سفر، آمادگی تدریس نداشت، کلاس خود را به ایشان می‌سپرد.

در سال ۱۳۱۳، زمانی که دانشگاه تهران تأسیس شد و دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی کنونی) شکل گرفت، از ایشان برای تدریس، دعوت به عمل آمد و در سال ۱۳۱۴ در زمان ریاست مرحوم بدیع الزمان فروزانفر، رساله دکتری خود را در نحو به وزارت معارف ارائه نمود. این رساله پس از بررسی در شورای علمی دانشگاه و تأیید آن پذیرفته شد و تصدیق‌نامه استادی ایشان در تاریخ ۱۳۱۵/۰۳/۰۵ به ثبت رسید. ایشان در مدرسه رضائیه نیز که زیر نظر وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود به تدریس اشتغال داشت. در آن زمان برای تدریس دروسی چون فقه و اصول، لازم بود از علماء کسب اجازه شود. اجازه و لیاقت تدریس ایشان را بزرگوارانی مانند مرحوم حاج شیخ عبدالکریم الحائری (ره) صادر و تأیید نموده بودند.

با اعلام رسمی کشف حجاب رضاخانی، در تاریخ ۱۳۱۴/۱۰/۱۷، نظام‌نامه لباس تمام رسمی رؤسا و معاونین دانشکده‌ها و استادان به دانشگاه ابلاغ شد. پس از آن در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۲ طی نامه‌ای، رؤسا، معاونین و اساتید، برای تهیه لباس متحدالشکل با مدل برگرفته از غرب، به خیاط فریمان در چهارراه مخبرالدوله معرفی شدند. این مقدمه‌ای بود برای شرکت دادن اساتید در جشنی با همسرانشان در لباس‌های خاص و بدون چادر! ایشان به محض اینکه این خبر را از مرحوم آقا شیخ بهاء‌الدین نوری، فرزند مرحوم حاج شیخ عبدالنبی شنیدند، شبانه با همسر و فرزندان خود، تهران را به مقصد نور ترک کردند تا پس از آنکه آب‌ها از آسیاب بیفتد، مراجعت نمایند. آن طوری که نقل می‌کنند، همسر خود را داخل گونی، روی کامیون پنهان کرده بود.

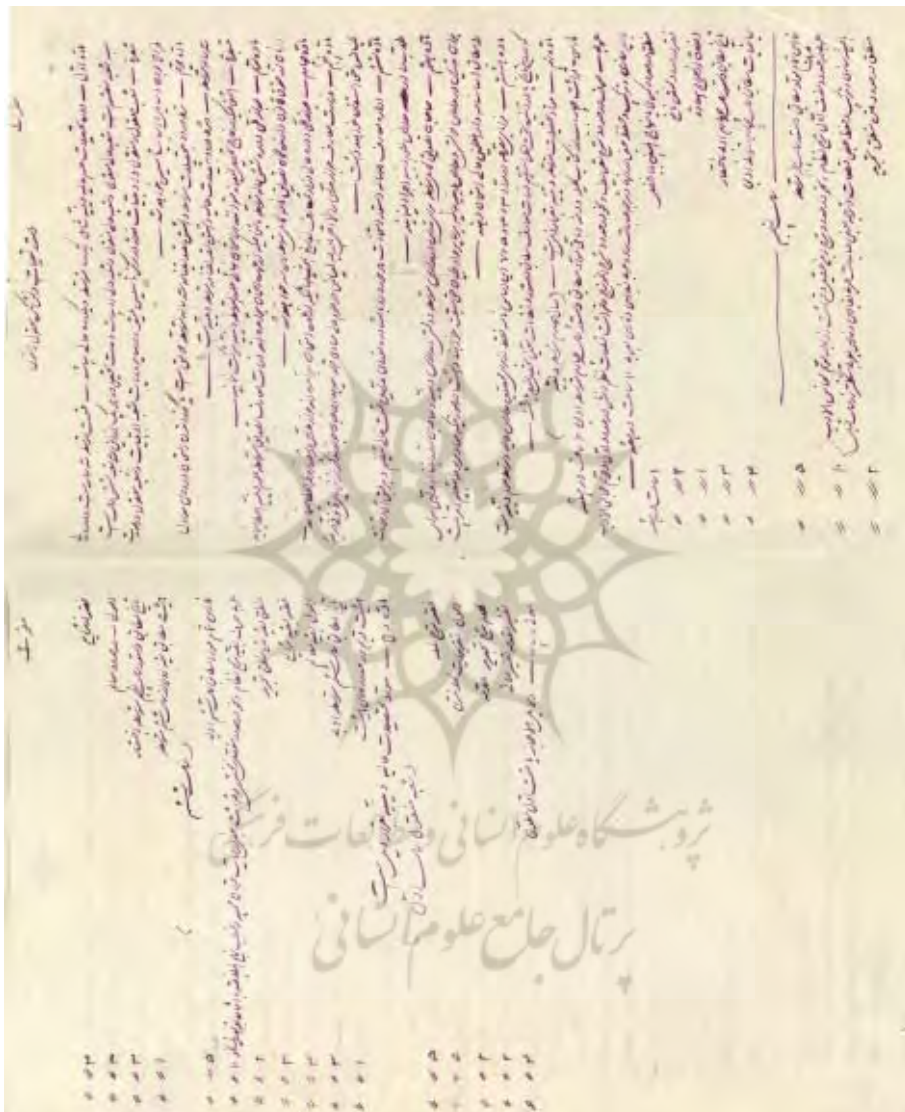
با شدت گرفتن مسائل مربوط به کشف حجاب، بسیار ناراحت شده، می‌گوید: من بیش از این دوام نخواهم آورد و در تاریخ ۱۳۱۵/۰۳/۰۴، آخرین وصیتنامه خود را در دفتر اسناد رسمی شماره ۴۷ تهران، با شهادت بر اصول حقه دینی تنظیم نمود. مرحوم حاج شیخ زین‌العابدین نوری، معروف به شاه حسینی (ره)، مرحوم مشهدی آقا محمد (پدر همسر خود) و مرحوم آقا مشهدی محمد ولی خیاط (برادر خود) را به عنوان سه وصی معرفی می‌نماید و بنابر پیش‌بینی خودش، در تاریخ ۱۳۱۵/۰۵/۱۵ دار فانی را بدرود می‌گوید. در وصیتنامه‌اش خواسته بود جنازه را سه یا چهار سال در مرقد امام زادگان آرمیده در پیل (امام زاده احمد نعمت و عابد) امانت نگه دارند و پس از متلاشی شدن - که حمل آن در صندوقچه کوچک هم ممکن

زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیت‌الله... / طلوع شریفی

می‌گردد- به قم انتقال دهند. بر همین منوال عمل شد و پس از فوت، جنازه را در اتاقی در امام زاده امانت گذاشتند و در آن را با گل و گچ پوشاندند. ابتدا پس از سه سال باز کردند، ولی چون هیچ تغییری نکرده بود، دوباره پوشاندند. چهار سال بعد دوباره دریچه را باز کردند؛ با کمال تعجب هنوز هم تغییری نکرده بود و وقتی با دست روی صورت او فشار داده بودند، سفت بود. فقط تارهای ریش او با فوت کردن، جا به جا می‌شد. وصی ایشان، مرحوم حاج شیخ زین العابدین، از محضر مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی(ره) کسب تکلیف کردند. ایشان فرموده بودند: به انتظار پوسیدن این بدن نباشید. مقدمات انتقال به قم را فراهم کنید. به این ترتیب با ساختن آماری (جعبه بزرگ)، پیکر ایشان به قم منتقل و در قبرستان نو به خاک سپرده شد. از ایشان یک پسر و سه دختر به یادگار ماند که دو دختر ایشان تا این تاریخ در قید حیات می‌باشند. نویسنده مقاله، نوه دختری ایشان و همسر نورالدین نورایی نژاد که او نیز، نوه دیگر آن مرحوم بوده است). اسناد و تصاویری که در پی می‌آید، اوراقی است که یا مربوط به ایشان یا در میان اسناد ایشان بوده است.



مرحوم آیت‌الله محمد مهدی رئیس نوری(ره)



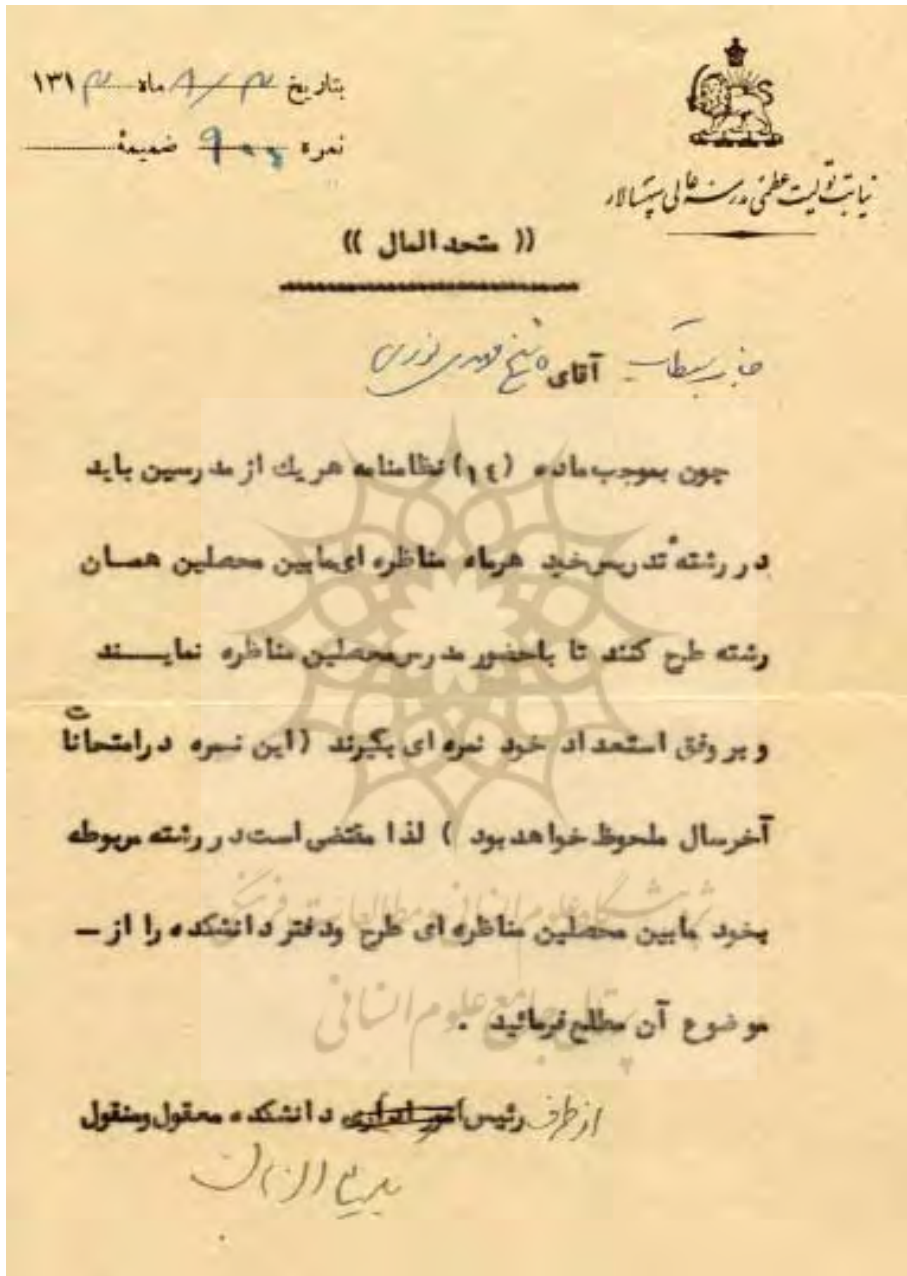
پیام بهارستان / ۴، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیت الله... / طلوع شریفی



حاج ملا علی کنی (ره)

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

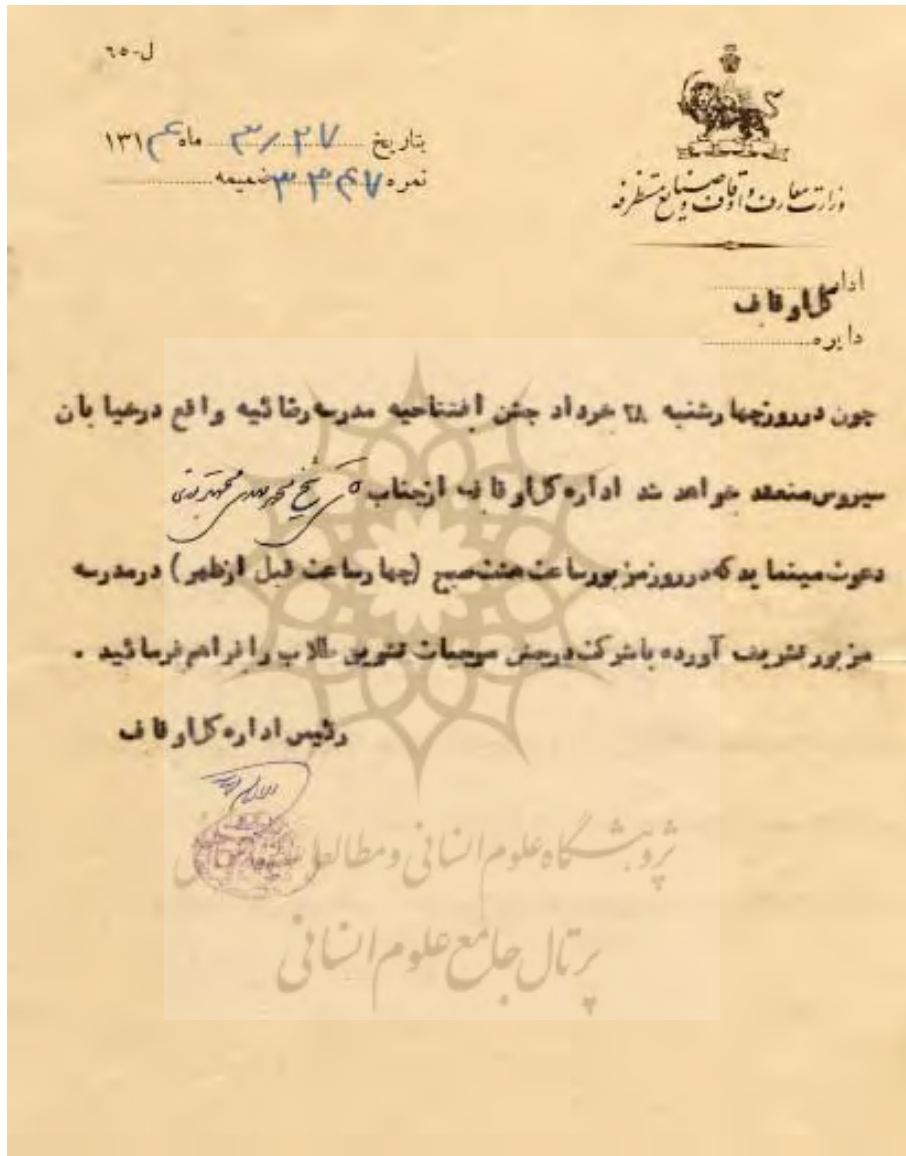






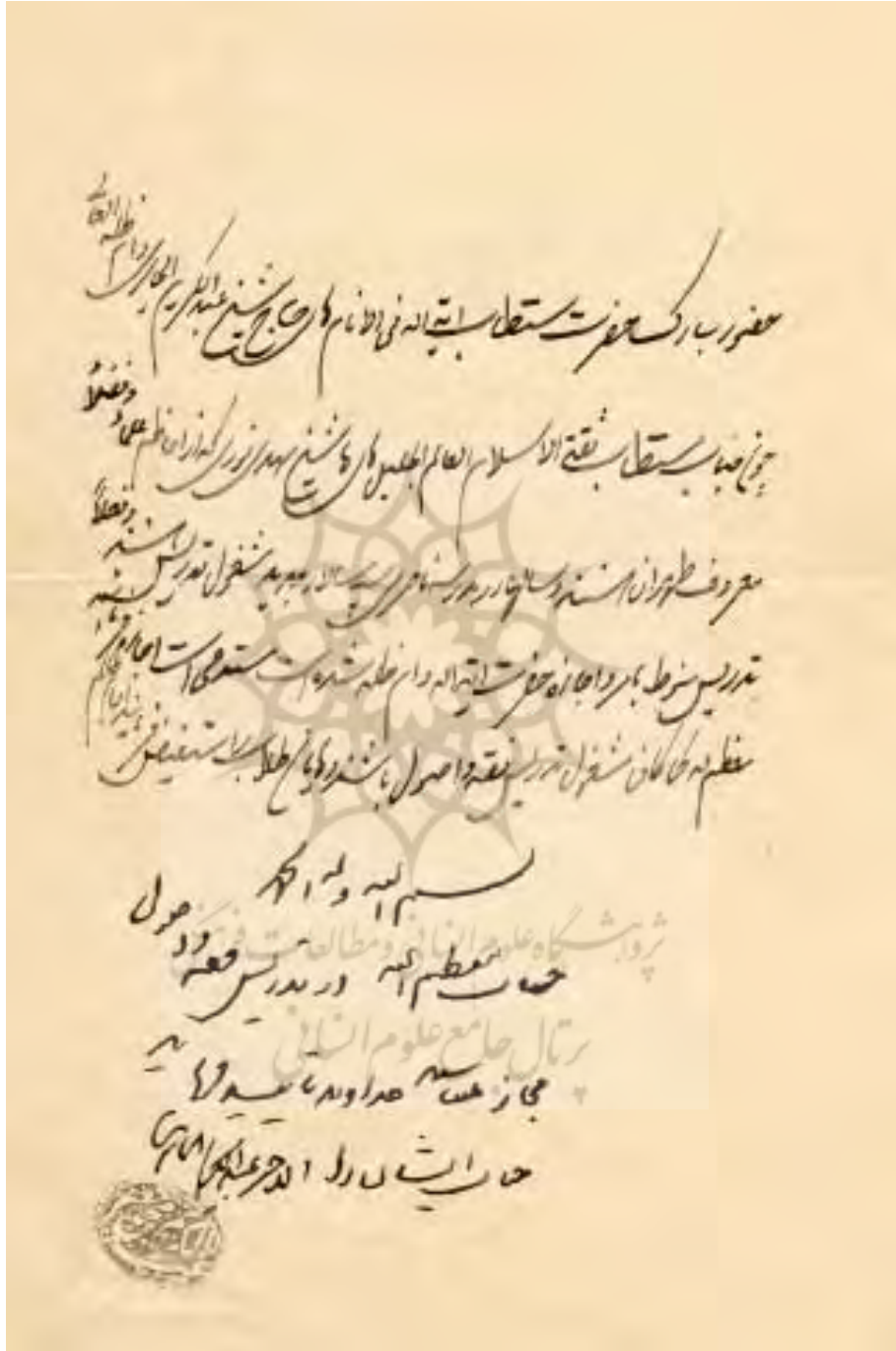
مرحوم آیت‌الله محمد مهدی رئیس نوری و مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در جمع اساتید دانشگاه در ساختمان مجلس شورای ملی



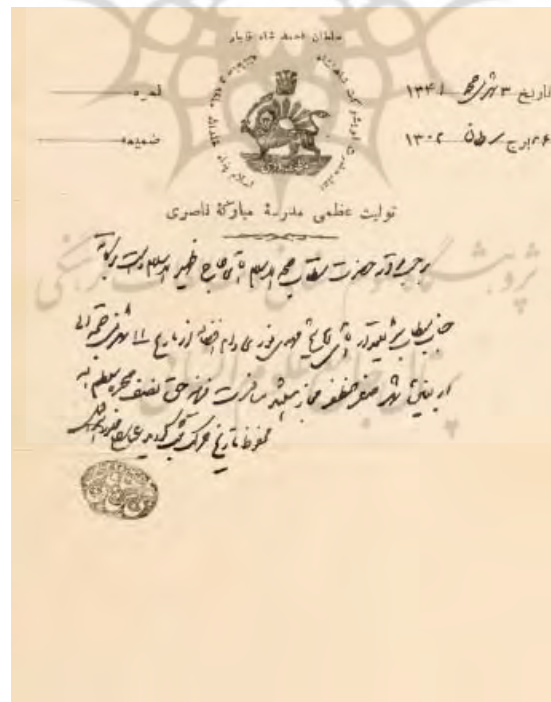




پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیت الله... / طلوع شریفی



پیام بهارستان / ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیتالله... / طلوع شریفی



پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

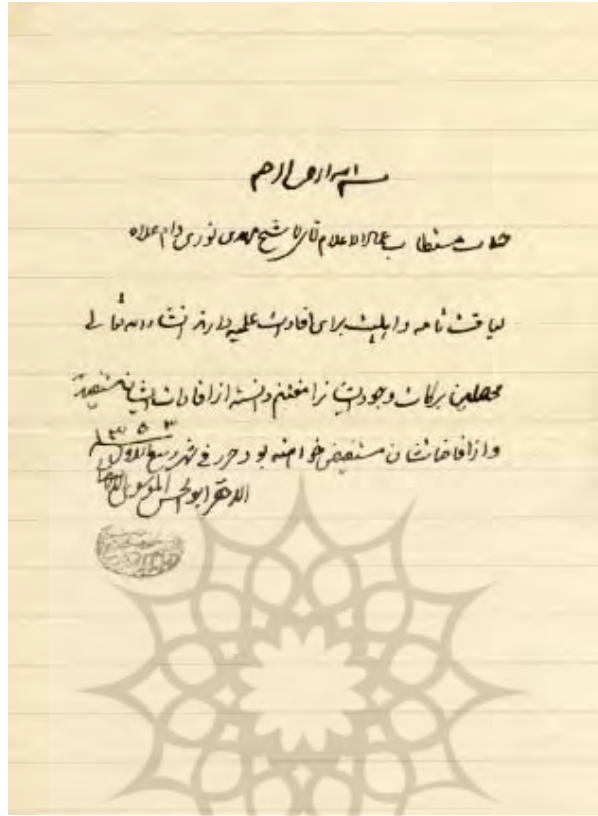
زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیت‌الله... / طلوع شریفی



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



زندگی نامه و اسنادی از مرحوم آیت الله... / طلوع شریفی



پیام بهارستان / ۳۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



